



تحلیل رنگ پارچه های دوره صفوی در پرتو آرای حکمای اسلامی

زهرا محسنی

کارشناس ارشد طراحی پارچه و لباس، موسسه آموزش عالی غیرانتفاعی- غیردولتی کمال الملک

چکیده

رنگ مورد استفاده ی البسه ، نشان دهنده ویژگی های اجتماعی و نمادین هر سرزمینی است. پادشاهان، خاندان سلطنت و اعضای طبقات اشرافی صفوی، به عنوان حامیان هنری، با درایت و نگرشی عمیق از ظرفیت تبلیغاتی پارچه بافی کشور، اقدام به ترویج فرهنگ و تمدن ایران در سایر ممالک نمودند. این حمایت، از سویی با رویکرد اشرافی گری و حس تجمل درباری و از سوی دیگر، با اهداف اقتصادی در ثروت اندوزی حکومتی و شخصی و نهایتاً در رقابت سیاسی بین ایران و عثمانی ریشه داشت. البسه دوره ی صفویه از غنای بالایی در طرح و رنگ برخوردار است و برای استفاده در طراحی بسیار عالی می باشد. پوشاک دوران صفویه طرح های بسیار زیبایی نسبت به دوره های دیگر داشته و به فرهنگ ایرانی بسیار نزدیک بوده. پارچه های آن ها از لطافت، ظرافت و زیبایی خاصی برخوردار بوده و در طرح لباسشان نیز ظرافت خاصی وجود داشت. پارچه بافی ایران در دوره صفویه، مانند سایر شاخه های هنری، تحت تأثیر سیاست های حکام آن دوره قرار گرفت. از مهم ترین خصوصیات هنری عصر صفوی، تشکیل کانونهای هنری تحت حمایت دربار و ارتباط تنگاتنگ رشته های هنری به ویژه پارچه بافی با نقاشی است. پارچه هایی که در دوره صفوی بافته شده اند، از زیباترین منسوجاتی هستند که ایرانیان، در طول تاریخ هنر خود، به وجود آورده اند. رنگهای متنوع و زیبای این منسوجات، نشان می دهد که هنر طراحی و بافت پارچه در آن زمان، در اوج تکامل فنی خود بوده است. وجود زمینه مناسب برای هنرمندان، عامل مهمی در توسعه هنر پارچه بافی بود و به علاوه تلاش آنان، تأثیر بسیاری بر گسترش این هنر داشت.

واژگان کلیدی: رنگ ، پارچه ، دوره صفوی ، حکمای اسلامی

مقدمه و بیان مسئله

پارچه‌بافی از جنبه کاربردهای فراوانی که در میان تمامی اقشار جامعه دارد، یکی از پیشروترین و گسترده‌ترین صنایع در بین کشورهای مسلمان، از جمله ایران و هند به‌شمار می‌رود. به‌همین دلیل سده‌های نهم تا یازدهم هجری قمری - پانزدهم تا هفدهم میلادی از نظر پیشرفت و گسترش هنر پارچه‌بافی صفوی و گورکانی با اهمیت است. این دو با داشتن ارتباط فرهنگی و هنری در سده‌های پیشین، به‌ویژه در زمان حکومت صفویه، تأثیرات بسیاری در هنرهای مختلف، به‌ویژه هنر پارچه‌بافی بر یکدیگر داشته‌اند (خلیل زاده مقدم و صادق پور فیروزآباد، ۱۳۹۱). پوشاک مردمان هر سرزمینی بیانگر فرهنگ و تمدن زیستی است که در طیّ زمان علاوه بر کارکرد اولیه خود به عنوان پوشش بدن - از نظر جنس پارچه، نوع دوخت و رنگ، در مجموع وجه زیبایی نیز یافته است و با مقوله‌هایی نظیر مردانگی یا زنانگی، طبقه، منزلت و به طور کلی با ساختارهای اجتماعی متناظر شده است. پوشش رنگ لباس‌ها به عنوان یک عنصر معنایی و نمادین، دارای خصلت‌های نشانه‌ای است (محبی و همکاران، ۱۳۹۷). پارچه بافی ایران در دوره صفویه، مانند سایر شاخه‌های هنری تحت تأثیر سیاست‌های حکام آن دوره قرار گرفت. از مهم‌ترین خصوصیات هنری این دوره تشکیل کانون‌های هنری تحت حمایت دربار و ارتباط تنگاتنگ رشته‌های هنری به ویژه پارچه بافی با نقاشی است (طالب پور، ۱۳۹۷). یکی از درخشان‌ترین دوره‌های صنعت پارچه بافی از آغاز تاریخ دوره صفوی بوده و بهترین نوع پارچه‌ها برای پوشاک زنان استفاده می‌شده است. در این دوره با استفاده از مواد مناسبی که در کارگاه‌های بافندگی تهیه می‌شد، نه تنها عقب ماندگی‌های کشور در عرصه پارچه بافی جبران شد بلکه بر اثر حمایت شاهان صفوی از هنرمندان و صنعتگران هنر پارچه بافی را در سراسر این دوره بی نظیر ساخت به گونه‌ای که دولت ایران در آن روزگار مقداری زیاد پارچه به کشورهای اروپایی صادر می‌کرد. در دوره قاجار پادشاهان خیلی به صنعت نساجی بهاء نمی‌دادند و باعث شدند تا این صنعت اهمیت خود را از دست بدهد. در این دوران صادرات ابریشم فقط به صورت خام انجام می‌شد، و پارچه‌های ابریشمی، شال کشمیر نخی، و غیره از کشورهای اروپایی به ایران وارد می‌شده است (دهقانی و همکاران، ۱۳۹۷). رنگ در آثار ارزشمند ایرانی از ارکان اساسی به شمار می‌آید و در این میان نظام رنگ بندی آثار هنری ایران علاوه بر معیارها و قراردادهای سنتی که نسل به نسل از هنرمندی به هنرمند دیگر انتقال یافته است همواره تحت تأثیر عوامل دیگری مانند باورهای اجتماعی، دین، عرفان، فرهنگ و ... بوده است. عنصر رنگ را می‌توان در یکی از کاربردی‌ترین هنرهای دستی ایران یعنی پارچه بافی دوران اسلامی بررسی نمود. بدیهی است این هنر دستی در دوره‌های مختلف اسلامی تحت تأثیر عوامل فوق‌الذکر بوده است که ما شاهد خلاقیت بسیار هنرمندان ایرانی در این زمینه می‌باشیم. دوران ارزشمند در هنر پارچه بافی با حضور هر چه زیبا تر عنصر رنگ را می‌توان در زمان سلجوقیان تا صفویه در هنر ایران به وضوح مشاهده نمود، زیرا این هنر در این دوره‌ها ویژگی کاربردی و شاخص تری به خود گرفته و کما بیش در زندگی مردم نقش عمده‌ای پیدا کرده است (رضایی آذر، ۱۳۹۲). یکی از متجلی‌ترین هنرهای ایرانیان هنر پارچه بافی است. پارچه‌های دوره اسلامی در دو وجه قابل بررسی می‌باشد که اوج تجلی آن را می‌توان در دوره اسلامی یافت. تأکید رنگ و نقش در کنار هم بر روی پارچه‌ها بر شکوفایی همه جانبه هنر مسلمانان در میان کشورها افزوده و موجبات خلق آثار هنری را فراهم آورده‌اند که هر یک در سرزمینهای مختلف به علت استفاده از تکنیک‌ها و جایگاه خود ارزشمند می‌باشند. رنگ‌ها ابزاری هستند که می‌توان با دقتی شدن در جزئیات آنها به انحصاری و یا ترکیبی بودن آنها پی برد. به دلیل اینکه تا بحال بیشتر به نقوش، تصاویر و معیارهایی از این دست در پارچه‌ها که نسل اندر نسل از هنرمندی به هنرمند دیگری منتقل شده است توجه شده بود، در این پژوهش سعی شده با نگاهی متفاوت تحت تأثیر عواملی چون نقش رنگ در پارچه‌ها، که بخشی از پیکره هنر، فرهنگ، دین، عرفان، ادبیات و ایران زمین بوده است و همواره مکتوم مانده و یا کمتر معانی سمبلیک و نمادین به خود گرفته است، بپردازیم.

روش تحقیق

این پژوهش به لحاظ هدف در زمره پژوهشهای بنیادین نظری قرار دارد چرا که به دلیل وابستگی خاص به حوزه معرفتی، جنبه دانش افزایی آن مدنظر می‌باشد اما به لحاظ ماهیت، توصیفی-تحلیلی و تاریخی محسوب می‌گردد. از اینرو، پس از تشریح موضوع، به تبیین چگونگی وضعیت مسأله و ابعاد آن می‌پردازد. بر این اساس، ابتدا به پیشینه پژوهش در این زمینه پرداخته می‌شود تا نوآوری این

تحقیق را خاطرنشان سازد و پس از آن، به ترتیب، صنعت نساجی در زمان صفویه و انواع پارچه های تولید شده، ارتباط نقاشی و پارچه بافی و تکنیک بافت پارچه ها، مکاتب پارچه بافی دوره صفوی، رنگرزی دوره صفوی، پیشرفت پارچه بافی در زمان شهریاران علاقه مند به این هنر دستی و رویدادهای تاریخی تأثیرگذار در جهت توسعه این هنر صنعت مورد مذاقه قرار می گیرند؛ با این شیوه، مسلماً روش کیفی ملاک است. شیوه گردآوری اطلاعات کتابخانه ای و استفاده از منابع مکتوب و اینترنت می باشد بدین ترتیب که انواع رنگ طرح های لباس صفویه مورد مطالعه و الگو برداری شد سپس در طراحی و دوخت لباس عصر اجرا گردید. منابع تحقیقاتی شامل پارچه ها، تصاویر و نگاره های موجود در موزه ها و کتب تصویری و نوشتاری است. اسناد مربوط به پارچه ها و تصاویر باقیمانده از سده های تاریخی صفوی است. جامعه آماری پارچه های صفوی است. تعداد نمونه مورد بررسی ۱۵ قطعه پارچه صفوی که بطور تصادفی گردآوری شده می باشد. تحلیل رنگ پارچه های منتخب دوره صفوی در پرتو آرای حکمای عرفای اسلامی انجام خواهد گرفت.

یافته های تحقیق

امتیاز منسوجات دوران صفوی از نظر به کار بردن رنگ های ملایم و تصویری است که شبیه به حال طبیعی و واقعی می باشند و از نظر سبکی وزن و نازکی؛ و همچنین در تار و پود آن ها رشته هایی از سیم و زر وجود داشت؛ به این ترتیب برزیبایی و تالگو پارچه افزوده می شد. پادشاهان و درباریان در این عصر در استفاده از پارچه های زیبا، بسیار زیاده روی می کردند و از زیباترین محصولات بافندگان ایرانی، مخمل دارای نقش های قوی و رنگ های بدیع هنری است. در دوران صفوی به دلیل حمایت زیاد از هنر کتاب آرای، این هنر بر هنر پارچه بافی نیز تأثیر مثبت گذاشت. از ویژگی های هنر پارچه بافی صفوی که از عهد تیموری آغاز شد و در این عصر به اوج رسید، همکاری نقاشان و نساجان در کانون های هنری بود و بسیاری از طراحان پارچه از هنرمندان نقاش معروف بودند. تزیین پارچه ها در عصر صفوی عبارت بودند از نقوش انسانی و حیوانی و پرندگان و گل و گیاه با موضوعاتی از داستانهای رزمی و بزمی اقتباس شده از شاهنامه و نظامی. گرایش به جنبه تصویری در پارچه ها در عصر صفوی چنان قوت گرفت که یکی از مشخصه های آشکار پارچه های ایرانی در این عصر گردید. بین تزیینات پارچه و نقاشی ها و نقش و نگارهای کتاب های خطی، پیوند و رابطه نیرومندی پدید آمد. بر پارچه های قلمکار این عصر آیات قرآن و دعا و احادیث با خطوط کوفی، نسخ، ثلث و غبار نقش می شدند که از نمونه این پارچه ها، پیراهن هایی با محتوای آیه الکرسی یا دعای نادعلی برای رفع امراض و بلا می باشند. پارچه هایی نیز با روش دوخته دوزی بودند که با توجه به کاربرد نوع خط رایج، به بیان آیات قرآن، دعا، احادیث، اشعار و ضرب المثله و گاه نام بافنده و یا سفارش دهنده بر روی آن می پرداختند. در کل م توان اشاره کرد که استفاده از موضوعات داستانهای ایرانی از دوره سلجوقی بر پارچه ها رایج شد و در دوران تیموری و صفوی به دلیل نزدیکی نقاشی و کتاب سازی به پارچه موضوعات داستانهای حماسی و عاشقانه از رکن های اصلی تزیین پارچه شد. زری نوشته دار از پارچه های رایج دوران صفویه بوده است. غالباً این طرح را برای روپوش قبور و یا جهت پرده هایی که در مقبره ها و یا اماکن متبرکه مورد استفاده قرار می گرفته، می بافته اند. نمونه ای از آن قطعه زری زمینه طلایی است از ابریشم قرمز و سورمه ای که با سوره " اذا جاء نصر الله والفتح ...الی آخر " به طور مکرر منقوش گردیده است.

جدول ۱ : نقوش پارچه های صفوی

| انواع نقوش | پارچه های صفوی |
|-------------|--|
| نقوش انسانی | صحنه بزم، شکار، رزم، موضوع اسارت و زندانی، انسان صراحی به دست، فرشتگان و انسان بالدار، صحنه های حماسی و عاشقانه |
| نقوش گیاهی | گل و مرغ همراه با اسلیمی، اسلیمی ها همراه با ختایی، بته جقه، گل شاه عباسی و گل و برگ (بنفشه، نیلوفر، میخک، لاله، سنبل، زنبق، سوسن، گل سرخ، خشخاش، پنیرک، داوودی و کوبک)، درخت (سرو، نارون، چنار، گیلان، انار، سیب، درختچه های شکوفه دار و بوته های کوچک)، نقش گلدانی (تحت تأثیر مکتب گل و مرغ)، میوه (انار، سیب و گیلان) |
| نقوش حیوانی | حیوانات افسانه ای و اساطیری (اژدها، سیمرغ و ققنوس)، حیوانات |

| | |
|--|--------------------|
| ترکیبی (شیر بالدار و ترکیباتی از بدن شیر و سرعقاب) ، حیوانات موجود در طبیعت: اهلی: سگ، اسب، شتر، فیل، گاو و خرگوش غیراهلی: غزال، شیر، پلنگ، ببر، یوزپلنگ، روباه، مار و میمون دریایی: ماهی و لا کپشت پرندهگان: قرقاول، خروس، اردک، مرغابی، عقاب، لک لک، کبوتر، طوطی، هدهد، بلبل و طاووس حشرات: پروانه، سنجاقک، زنبور و پشه | |
| امضای بافنده و تاریخ بافت پارچه (غیاث الدین نقش بند، عبدالله، حسین، شفیع) ، آیات قرآن، احادیث، ادعیه و اشعار حافظ ، اشعار و عبارات پندآموز با مضمون سعادت برای صاحب پارچه | نقوش نوشتاری |
| هندسی ساده مانند لوزی و مربع، خطوط راست به همراه گر ها شامل شمس و چهارقل، نقوش راست در ایجاد تقسیمات هندسی | نقوش هندسی |
| محرابی گلدانی ، محرابی درختی | نقوش محرابی |
| ملهم از هنر چین مانند ابر چینی، نقش خورشید و ستارگان | نقوش سماوی (ختایی) |

تحلیل رنگ پارچه های دوره صفوی در پرتو آرای حکمای اسلامی

در حکومت صفوی کارگاههای پارچه بافی و رنگرزی توسط شاه اسماعیل تاسیس شد و پرورش ابریشم هم توسعه یافت و امتیاز انحصاری دربار بر تجارت ابریشم شکل گرفت. رنگرزان ایران صفوی ، با ترکیب مواد مختلف تواناییته های مختلف رنگی را به دست آوردند که در حقیقت نموداری از رنگ های موجود در طبیعت بود و شامل رقیق ترین تا تیره ترین رنگ ها می باشد. همانند حکومت های دوران اولیه اسلامی ، حکومت صفوی نیز یک رنگ (خاص) پادشاهی انتخاب کرد که نمونه بارز آن، کلاه قرمز رنگی بود که به سرعت میان حامیان صفوی که (قرلباش) کلاه قرمز نامیده می شدند متداول گردید. پوشیدن این کلاه نماد وفاداری به اعتقادات شیعه دوازده امامی بود. روزی که شاه سیاه می پوشید معمولاً غمگین و آرام بود ، اگر جامه سفید ، سبز یا زرد یا هر رنگ روشن دیگری می پوشید معمولاً شاد بود ولی اگر قرمز می پوشید تمام قصر از او می ترسیدند، زیرا احیاناً آن روز شخصی را می کشت. رابطه رنگ لباس پوشیده شده و عملکرد رفتاری تا مدت ها ادامه داشت. درباریان به نشانه عزاداری و انتقام و مراسم سوگواری البسه های سیاه می پوشیدند. شاه اسماعیل پس از شکست از لشکر عثمانی در چالدران در سال ۹۲۰/۱۵۱۴ لباس سیاه بر تن کرد و دستور داد تا تمام پرچم های نظامی را رنگ سیاه بزنند و با کلمه القصاص یعنی انتقام آراسته کنند. پوشیدن لباس و رنگ آن در دوره اولیه صفوی نشان دهنده مرتبه عوامل دربار بود. ردهایی با تزئینات پرنقش و نگار با نخ طلا و ابریشم رنگی مخصوص ماموران بلند مرتبه دربار بود. مانند ردایی که هدیه شاه محمد خدابنده (۱۵۷۸-۱۵۸۸) به سلطان عثمانی در سال ۹۹۱/۱۵۸۳ است و اکنون در موزه توپقاپی سرای ترکیه است. در ایران صفوی تنوع رنگ ها بسیار زیاد شد . قرمزهای گوناگون و آتشین ، سبز (سبز تند) ، زرد (کاهی) صورتی، نارنجی ، بنفش (کم رنگ و پررنگ) ، خاکستری ، قهوه ای و آبی رنگ هایی بودند که در بافت پارچه های صفوی به کار می رفت. مضامین و مقاصد بیشتر و لطیف تر شد ، به جهت حفظ تعادل رنگی از تکرار یکنواخت رنگ نیز پرهیز می شد. فن جابجایی رنگ ها و مداخله آنها به همراه متعادل نمودن رنگها و استفاده از رنگهای ملایم تر به همراه خطوط بیرونی لطافت و زیبایی خاصی به نقوش پارچه های بافته شده در این دوره می دهد. شباهت و نزدیکی طرح ها به نقاشی های کتب خطی به همراه نقوش انسانی و حیوانی و تزئینات گیاهی با مضامین افسانه ها ، صحنه های شکار ، باغ و بوستان، ادبیات ایران (شاهنامه و خمسه نظامی) از ویژگیهای بافت عصر صفوی به شمار می رفت که در برخی بافته ها به همراه نام بافنده و امضای طراح پارچه بافته می شد .

جدول 2 : رنگ های زمینه ، شیوه اجرایی، الباف-مواد و ترکیب بندی پارچه های ایران صفوی (* تعداد علامت ستاره نمایان گر میزان اهمیت و کاربری در پارچه بافی صفوی است)

| موضوع | مورد | ایران - صفوی |
|---------------|----------------|--------------|
| رنگ های زمینه | سپید | * |
| | سرخ لاک | * |
| | طلایی | ** |
| | سبز | * |
| | نخودی / کرم | * |
| | هم خانواده | * |
| | اطلس | ** |
| شیوه اجرایی | مخمل | *** |
| | زری / زربفت | *** |
| | ایکات / دارایی | * |
| | قلمکار | * |
| | شال ترمه | * |
| | پارچه چندلا | * |
| | پارچه دورو | * |
| | چاپ باسمه ای | * |
| | سوزن دوزی | * |
| | نخی | * |
| | پشمی | * |
| الیاف - مواد | ابریشمی | *** |
| | تقارن | * |
| ترکیب بندی | شبکه های هندسی | * |
| | حاشیه | * |
| | تعادل و توازن | * |
| | توالی در تکرار | * |
| | | * |

تحلیل تیپ های شخصیتی در نگاره های صفوی از طریق رنگ لباس

برخی از شخصیت های اجتماعی مطرح شده در این نگاره ها عناصر مربوط در هر داستانی پویایی چندانی ندارد و بیشتر در شخصیت های عام مشاهده می شود. مجموعه ی آثار ارائه شده فقط نمونه ای برگزیده از آثاری است که هر یک از آنها معرف شیوه ی نمایش تیپ های شخصیتی در نگاره های صفوی است. این آثار به خوبی نشان می دهد که در نگارگری صفوی استفاده از رنگ ها برای تن پوش ها همانند اصلی واحد و ثابت متابعت می شود.

تحلیل رنگ لباس شاه و شاهزادگان در دوره صفوی

شاه و شاهزادگان به دلیل موقعیت اجتماعی خود که از طبقات بالای جامعه به شمار می رفتند لباس هایی فاخر و مجلل بر تن می کردند و جنس و نوع لباسشان باید به گونه ای می شد تا خود را نسبت به دیگر اشخاص جامعه متمایز نشان دهند. این طبقه در مجموع مربوط به شخصیت های درباری است و نه تنها در باب نخست (در سیرت پادشاهان) بلکه در سایر بابها نیز نمود چشم گیری دارند. در نگاره های صفوی این تیپ های شخصیتی به دو دسته ی عام و خاص تقسیم بندی شده است. طبق آثاری که در نگاره های دوره ی صفوی در لباس اینگونه تیپ های شخصیتی (شاه و شاهزادگان) دیده شده است. بخش هایی از تصاویر در جدول زیر آورده شده که

نشان می دهد از رنگ های طلایی، سبز، قرمز، آبی، صورتی استفاده شده است که بیشترین کاربرد در اکثر فیگورها رنگ طلایی است. طلایی نمایانگر شهرت و آبرو است. رنگ طلایی بیانی از روشنایی، هوشمندی و دارایی است. پوشش کفش طرح دار و جوراب زربفت یا مخملی احتمالاً در آغاز میان طبقات مختلف مردم حتی پادشاهان رایج بوده است. اما به تدریج کاربرد آن در میان روستائیان و دهقانان محدود می شود. تزئینات در پای پوش ها نیز کماکان در میان پادشاهان و افراد عالی رتبه دیده می شود.

جدول ۳: تصاویر شاه و شاهزادگان در نگاره های دوره ی صفویان

| | | | | |
|--|---|---|--|--|
|  |  |  |  |  |
| شاه سلیمان و درباریان، به امضای علی قلی جباردار، اصفهان | شاهزاده ای یک مرد مقدس را ملاقات می کند، مطلع الانوار امیر خسرو دهلوی، قزوین | پذیرایی از شاهزاده در صحرا، منسوب به محمد قاسم، اصفهان موزه ی بریتانیا | چهره ی شاهزاده، محمد هروی، تبریز، واشینگتن، نگارخانه فری یر | شاه سلطان حسین در حال توزیع هدایای سال نو، امضاء محمدعلی، اصفهان، موزه ی بریتانیا |

جامه های سلطنتی، مانند تاج، نماد فرمانروایی است که با زیورآلات تزئین یافته و در تاج شاهان و شاهزادگان از رنگ طلایی به کاررفته است. در لباس های سلطنتی، رداها عمدتاً از پنبه یا ابریشم ساده یا زربفت و به رنگ های روشن بودند (سیاه به ندرت پوشیده می شد). طرح های ماهرانه ای از حیوانات و پیکره ها برای تزئین منسوجات به کاربرده می شد. آن ها با تن پوشی چندلایه که ردا آن ها به رنگهای طلایی، قرمز، سبز و با دکمه هایی به رنگ طلایی رنگ آمیزی شده است. تزئینات نقوش باحالتی تشعیرگونه از عناصر طبیعت و نقوش تجریدی بر روی کلاه و کمربند و بالاپوش شان دیده می شود. رنگ لباس زیرین آنها آبی، قرمز و نخودی و رنگ کمربند آن ها طلایی، آبی و قرمز است. ازجمله تفاوت نشانه های پادشاهان با دیگر طبقات جامعه نوع و جنس کلاه، نقوش روی ردا و کمربند و پاپوش ها و حتی دکمه های طلایی رنگشان با دیگر اقشار جامعه فرق می کند با این تفاوت به ظاهر سعی در قدرتمند نشان دادن خود بودند. در تصویر زیر رنگ لباس شاه عباس دوم را صورتی انتخاب کرده اند، همین رنگ را می توان در فیگورهای دیگر دید و چون شاه در مرکزیت تصویر قرار دارد برای هماهنگی و ترکیب بندی رنگ ها رنگ صورتی را در لباس فیگورهای دیگر رنگ کرده اند. برای اینکه شاه ابهت خود را حفظ کند رنگ طلایی را بر روی دکمه ها، کمربند، شمشیر و کلاه انتخاب کرده اند. رنگ صورتی مطمئن ترین و مناسب ترین رنگی است که می تواند با انرژی خود، احساسات مربوط به مهربانی، شفقت، حامی یک رنگی، صراحت، عشق، اعتماد و ایمان به آنچه لازم است را تقویت می کند.

جدول 4: به حضور پذیرفتن شاه عباس سفیر گورکانی را، منسوب به محمدزمان



لباس زیرین شاه سلیمان به رنگ قرمز سیر دیده می شود که نمادی از ثروت، رهبر، با مسئولیت، ارتباط برقرارکننده و تجملی است. با پوشش ردا به رنگ طلایی در کنار رنگ قرمز سیر بیشتر برای نشان دادن تیپ شخصیتی شاه کمک می کند و قدرت و بزرگی و عزت شاه را دوجندان می کند. تزئینات لباس روی ردا شاه نیز برای اینکه جزء طبقات بالای جامعه است استفاده شده. پادشاهان وقتی بر روی تخت پادشاهی می نشینند لباسها و تاجهای فاخری بر تن می کنند و وقتی بیرون از دربار برای شکار و تفریح به سر می برند از لباس هایی که رنگ طلایی کمتر و نقوش کمتری استفاده شده بر تن دارند.

تحلیل رنگ لباس اشرافیان و درباریان در دوره صفوی

در این گونه از طبقات جامعه از نوع دسته ی شخصیت های عام در نگاره های صفوی هستند که همواره میان زنان و مردان ثروتمند و اشرافی با میانه حالان و فقرا تفاوتی در سبک لباس بود. مرفهان سعی کردند برای خود نشانه هایی در سبک پوشش ایجاد کنند. در رابطه ی گوناگونی پرتضاد از رنگها از یک سو زرشکی، سرمه ای، یشمی با طلایی به عنوان رنگ های اشرافی و نماینده ثروت خودنمایی می کنند از سویی دیگر طیف وسیعی از رنگ های درخشان مانند زرد، قرمز، نارنجی، آبی و غیره در پوشاک و اثاثیه ی نماینده ی ثروت شادی بخش خواهند بود. به احتمال زیاد نیم چکمه های طرح دار، مورد استفاده ی زنان ثروتمند بوده است. درمجموع از این سخنان می توان این گونه استنباط کرد که زنان به ویژه ثروتمندان از نوعی جوراب زربفت یا مخملی، که درواقع نوعی پارچه ی گران بها محسوب می شد، استفاده می کردند و این جوراب ها به لحاظ شکل و قالبی که داشتند چکمه به نظر می رسیدند. نمایندگان طهماسب برای تاج گذاری سلطان مراد سوم، لباس های ابریشمی با طرح های شیر، ببر، اسب و تصاویر انسان پوشیده بودند. جدول زیر نشان می دهد که رنگ لباس اشرافیان تقریباً نزدیک به استفاده از رنگهای شاهان و شاهزادگان هستند چراکه اشرافیان هم مانند پادشاهان و شاهزادگان جزء ثروتمندان و طبقات بالای جامعه و جزء شخصیت های درباری محسوب می شوند. اما به خاطر این که از دسته ی شخصیت های عام هستند، نگارگر اشخاص درباری را با نوع کلاه و جایگاه آن ها در ترکیب بندی اثر نشان داده اند و نسبت فرمانروایی را با امیران و وزیران و اشرافیان درباری تمایز قائل شده اند.

جدول ۵: تصاویری از اشرافیان درباری دوره ی صفوی

| | | | | |
|--|---|--|---|---|
| | | | | |
| بانویی فرنگی در جامه ی ایرانی، مکتب اصفهان | تک چهره هایی از زنان اصفهان، اصفهان، سده ی یازدهم هجری | ایلچیان اروپایی پسر سلطان مراد عثمانی را ارائه می دهد، ظفرنامه شرف الدین علی یزدی، تبریز | شاه سلیمان و درباریان، به امضای علی قلی جباردار، اصفهان | به حضور پذیرفتن شاه عباس سفیر گورکانی را، منسوب به محمدزمان، مجموعه ی صدرالدین آقاخان |

تحلیل رنگ لباس پهلوانان و اساطیر در دوره صفوی

اسطوره ها از طبقات بالای جامعه و جزء شخصیت های خاص هستند. اسطوره از مفاهیمی است که همواره با ادبیات پیوند تنگاتنگی داشته است چنان که به باور برخی سرنوشت یکی وابسته به دیگری است. در پیکرهای انسانی نقاشی های تبریز، هنوز برتری با شخصیت

های اسطوره ای و قهرمانان و پهلوانان شکست ناپذیر همیشه پیروز است. آنان جملگی پیشینه ای دارند که تعیین کننده ی ویژگی های فرا زمانی شان است. آنان مظهر نوعی قانون یا انجام وظیفه ای همگانی اند که کم و بیش پیش بینی شدنی است و به همین خاطر آنان معمولاً تغییرناپذیرند. اینکه آنها در ویژگی های کلی و در فضایی عاری از زمان و مکان خاص در روایت های مکرر کهن به تصویر کشیده می شوند و تنوع و تفاوت های چندانی میان آنان به چشم نمی خورد، می تواند از این زاویه نیز تعبیر گردد. جوانمردی، شجاعت، عزت نفس و جنگیدن با دیو که نمادی از مبارزه با نفس اماره است و به عبارت دیگر ، انسان کامل با همه ی فضایل که موردعنايت همه انسان های دنیاست، در چهره ی رستم نمود پیدا می کند. شخصیت پهلوانان را با توجه به رنگ و نقوشی که در نگاره ها به تصویر کشیده شده بررسی می گردد. بر اساس تصاویری که از رستم و سهراب در صحنه های مختلف از جمله در جنگ دیده می شود؛ تن پوش هایی از کلاه خود ، زره ، بازوبند و امثال آن از رنگ طلایی استفاده شده است. همچنین اگر در تن این اسطوره ها، لباس رزمی وجود نداشته باشد در اکثر صحنه ها بازهم رنگ طلایی در پوشش شان دیده می شود، چراکه بر اساس شخصیت های اساطیری، که نمونه های ازلی فعالیت های معنی دار و الگوهای تعلیمی برای رفتارهای همگانی است. از آنجایی که رنگ طلایی را نمادی از قدرت و از خودگذشتگی دانسته اند هنرمند برای چنین تیپ ها یی از رنگ طلایی استفاده کرده است. نقوش استفاده شده در تن پوش ها از عناصر طبیعت به صورت تشعیری و نقوش تجریدی بر روی بالاپوش ها، پای پوش و زانوبندها، زره، کمر بند، کلاه و شلوار دیده می شود، که این نقوش علاوه بر تزئین بر روی پوشاک آن ها تأکیدی برای نمایش دادن قدرت و نشان دادن ابهت آنهاست. از آن وجه که پلنگ را نمادی از قدرت می دانند تن پوش رستم را از بافت پوست پلنگ به رنگ طلایی با خطوط مشکی برای بیان قدرتش استفاده کرده اند و لباس زیرینش را به رنگ آبی تیره که مفاهیمی از دانش، قدرت، کمال و جدیت است را نوید می دهد نشان داده اند.

جدول ۶: تصاویر فیگورهای از اساطیر داستانی

| | | |
|---|---|---|
|  |  |  |
| کشتن رستم دیو سپید را، شاهنامه ی رشید، اصفهان، منسوب به محمد یوسف، کتابخانه ی کاخ گلستان، تهران | کیخسرو و رستم در حمله بر قله ی گنگ بهشت، شاهنامه ی قرقچای خان، صفویه | رستم در خواب است و رخس در حال جنگیدن با شیر، شیوه ی سلطان محمد، شاهنامه ی فردوسی، تبریز |

تحلیل رنگ لباس انبیاء و اولیاء در دوره صفوی

انبیاء و اولیاء الهی جزء شخصیت های خاص اجتماع هستند و از آنجایی که شخصیتی روحانی و معنوی دارند اغلب از اسباب مادی و دنیوی دوری کرده و با طبقات پایین جامعه همراهی می کردند. با این وجود چنین شخصیت های حقیقی بیشتر مورد توجه شخصیت های عام قرار می گرفت. در رابطه با شخصیت انبیاء هر یک بر حسب حال و مقام خود نیکوترین وجهی را مشخص می سازند که گویای والاترین شخصیت ها از دید عرفانی و دینی است. با توجه به نوع رویکرد حاکمان صفوی در جهت کسب هر دو جایگاه مادی و معنوی، مبتنی بر جایگاه حضرت رسول اکرم (ص) در نقش پیامبر الهی و نیز تأکید بر نقش رهبری اجتماعی و سیاسی بوده است ، لذا در ترسیم انبیاء و اولیاء الهی رنگ مورد استفاده در پوشش همان رنگ بکار رفته در لباس درباریان و به خصوص شخص شاه هست. به عنوان نمونه در نگاره اعجاز حضرت محمد (ص) با عنوان " حضرت محمد (ص) شق القمر می کند " پیامبر (ص) با صورتی پوشیده و هاله ی نورانی دور سرشان تصویر شده، که با دست راست ، و با اشاره ی دو انگشت خود، به سوی ماه اشاره می کند و با این اشاره ، ماه شکافته می شود. این بار ردای پیامبر (ص) که عموماً در آن زمان به رنگ سبز نشان داده می شده، به رنگی آبی تصویر شده و از آن رو که این رنگ در

آن دوران اغلب در لباس پادشاه و درباریان طراز اول به کار می رفته، ردای پیامبر (ص) نیز رنگ تجملی به خود گرفته و شکوه درباری در رنگ آن نمود پیدا کرده است.

شکل ۱: حضرت محمد(ص) شق القمر می کند، فال نامه شاه طهماسبی، صفویه، مکتب تبریز یا قزوین، حدود ۹۸۵ ه.ق، کتابخانه دولتی ساکسون



در جدول زیر با مشاهده ی لباس حضرت موسی (ع) شاهد این هستیم که برای که بالاپوش از رنگ استفاده شده و زرد رنگی است مادی و زمینی و سطحی و هرگز نمودار ژرفا نیست و این سطحی بودن دلیل بر شادی آفرینی آن است. باین وجود، رنگ زرد بالاپوش حضرت موسی (ع) ویژگی های مادی و زمینی بودنش را نشان می دهد، اما به خاطر اینکه لباس زیرینش را به رنگ سبز انتخاب کرده اند و از آنجایی که رنگ سبز نمادی معنوی دارد و قرآن مجید رنگ سبز را رنگ بهشتی می داند، آسمانی و الهی بودن پیامبر را نشان می دهد. با عمامه ای سفیدرنگ که در بالای همه ی رنگها قرار دارد و نماد وجود اصل همه ی مراتب واقعیت کیهانی و متحدکننده ی همه ی رنگهاست درعین حال کمربندی قرمز رنگ به دور کمر بسته شده است. این رنگ ها در مجاورت همدیگر معانی و مفاهیمی را بازگو می کنند، رنگ سفید عمامه که پوشش سر را در بردارد و از آن رو که سر در بالاترین قسمت بدن قرار گرفته رنگ سفید با نمادی از معنویت خود بالاترین مقام را به پیامبر داده است. همچنین با داشتن هاله ی آتشین که نمادی مقدس شمرده اند، بزرگی و درجه ی والامقام بودن پیامبر را که به خصوص به رنگ طلایی است نشان می دهد. از این رو هنرمند نگارگر سعی دارد با رنگ طلایی و زرد زرین که بهترین گزینه ی رنگی برای نمایش نور است، اتصال او را به منبع عظیم نور، حیات و جاودانگی و برخورداری از نهایت معرفت و حکمت نشان دهد.

جدول ۷: تصاویر فیگورهای از انبیاء و اولیاء الهی

| | | | | |
|---|---|---|--|---|
|  |  |  |  |  |
| قربانی کردن اسماعیل(ع) توسط ابراهیم(ع)، قصص الانبیاء نیشابوری. | حمله اژدهای موسی(ع) به خدمتکار و جادوگران فرعون، قصص الانبیاء | صالح(ع) شتر را از دل سنگ بیرون آورد، قصص الانبیاء نیشابوری. | معراج پیامبر اکرم(ص)، منسوب به سلطان محمد، خمسه ی شاه طهماسب، | معراج پیامبر اکرم(ص)، از نسخه ی مصور، خمسه نظامی، |

| | | | |
|------------------------------|---------------------------|------------------------|--|
| تبریز، مجموعه خصوصی کایر. | تبریز، کتابخانه بریتانیا. | نیشابوری، اثر آقا رضا. | |
|------------------------------|---------------------------|------------------------|--|

تحلیل رنگ لباس شاعران، صوفیان و عارفان در دوره صفوی

صوفی را از آن جهت صوف خوانند که: جامه ی صوف دارد، اندر صف اول باشد، تولی به اصحاب صفّه کند، این اسم از صفا مشتق شده و هرکسی را اندر معانی این طریقت، لطایف بسیار است. در رنگ شناسی اسلامی-ایرانی نظام هفت رنگی وجود دارد که شامل: سفید، سیاه، خاکی، زرد، سبز، سرخ و آبی است. مشاهدات روحانی عارف در سیر و سلوک خویش، متناسب با سطح معرفت و پاکی روحش، متفاوت شده و این تفاوت با رنگها نمایانده می شود. نمادهای رنگی در لباس اهل تصوف سپید، سیاه، کبود (ازرق)، سبز، خودرنگ (رنگ خاک)، عسلی، مملع (مصبغ، رنگارنگ)، سرخ و نیلی (آبی) در تن پوش های خود به کار می برند. رنگ ها قدرت نمادین خود را در تبیین حال عرفا حفظ می کنند. مثلاً در فرهنگ اسلامی سبز متضمن عالی ترین معانی عرفانی است که صورتش از عالم طبیعت و محسوس اخذ شده اما معنایش از عالم معانی و نامحسوس. رنگ تاجها و وصله های روی آن، هر یک اشارت به معنایی دارد که صاحب کسوت باید به کنه آن رسیده باشد: سفید، سیاه، سبز، کبود و خودرنگ. رنگ هایی که بیشتر مورد استفاده ی عارفان بوده رنگ سفید است که الهام گر نوعی بزرگی پاکی و اندیشه ی بالندگی است. صوفی حقیقی، صفای باطن را برمی گزیند و متظاهر به لباس پشمی و خرقة و نوع دوخت آن نیست. آداب صوفیان در لباس پوشیدن چنان است که همیشه پیراهنی سفید می پوشیده و بر یک لباس بسنده می کرده اند. با توجه به نگاه عرفا به رنگ ها در اشعار فارسی چنین برمی آید که عرفا اساساً بی رنگی را می ستودند (هست بی رنگی اصول رنگ ها: مثنوی). فلذا هرگاه عرفا در باب رنگ سخن گویند احتمالاً منظور همان نور است که بعدی فراتر دارد. با توجه به جدول زیر رنگ هایی که در اکثر تیپ های شخصیتی صوفیان و عارفان دیده شده است شامل: سبز، آبی روشن، سفید، فیروزه ای و قهوه ای زنده و خالص است. رنگ سفید در کلاه ها، می تواند علامت پاکی، خلوص و راستی باشد. طرح و نقش های بدیع گل و مرغ، شکارگاه ها، اسلیمی گیاهان از اصلی ترین شکل های تزئین البسه ی سنتی محسوب می شوند.

جدول 8: تصاویری از شاعران و صوفیان

| | |
|--|--|
|  |  |
| فردوسی و شاعران دربار سلطان محمود غزنوی، نسخه ی شاه طهماسب، تبریز، مجموعه ی پرنس صدرالدین آقاخان | فردوسی و شاعران دربار سلطان محمود غزنوی، نسخه ی شاه طهماسب، تبریز، مجموعه ی پرنس صدرالدین آقاخان |

تحلیل رنگ لباس عشاق در دوره صفوی

در داستان ها و حکایات عاشقان و معشوق ها جزء شخصیت های خاص هستند. در نگاره های صفوی نیز که برگرفته از همین داستان ها مصورسازی شده است جزء شخصیت های خاص به حساب می آیند. عشق مجازی در برخی حکایات زمینه ی عشق حقیقی را فراهم می کند و عاشق به معشوق حقیقی می رسد همچون قصه ی عشق مجنون به لیلی. سیمای زن در نقش معشوق چهره ای زیبا از زن را به تصویر می کشد عشق به زن جلوه ای از عشق به معشوق حقیقی است در مسیر عرفان به یاری سالک می شتابد و دلیلی می شود برای رسیدن به عشق حقیقی. تعدد آثار نگارگری با موضوع لیلی و مجنون و به ویژه تأکید بر شخصیت مجنون حکایت از اهمیت جایگاه او در

ادبیات عرفانی دارد، به طوری که صاحب نظران بر این باورند که داستان لیلی و مجنون متنی عرفانی و دربردارنده ی آموزه های تصوف است. در نتیجه مجنون تجسم شخصیت یک صوفی است . پس باید نمادهای تصویری مربوط به او را در آداب صوفیه جستجو کرد. بر اساس جدول زیر اکثر رنگهای استفاده شده در لباس عشاق رنگ نارنجی و قرمز با تونالیتة های مختلفی است که مفهومی از شادابی و تحریک پذیری را دارد و از این رنگهای گرم برای عاشقانی که عشق زمینی دارند استفاده شده است ولی در لباس مجنون که در داستان ها آمده به عشق حقیقی می رسد و به عنوان یک عارف و صوفی مطرح شده رنگ لباس او با دیگر دلدادگان متفاوت است.

جدول ۹: تصاویر عشاق

| | |
|---|--|
|  |  |
| دیدار سلیم از مجنون در بیابان، خمسه نظامی | دو عاشق به جزیره خوشبختی قدم می گذارند، هفت اورنگ جامی، مشهد |

تحلیل رنگ لباس ملازم و خدمه ها در دوره صفوی

یکی از جایگاه هایی که زن گاهی در آثار نگاره ها ظاهر می شود، جایی است که در آن به عنوان کنیز، در خدمت فرد یا گروهی از افراد است. خادمان مرد بیشتر در دسته ی عام قرار دارند چراکه در برخی از داستان ها زن خدمه را به عنوان یک معشوق بیان می کنند و در اینجا است که شخصیتی خاص پیدا می کند. در جدول زیر لباس کنیزکان را به رنگ نارنجی که جزء رنگهای گرم و قابل توجه است و این رنگ در زمینه ی مردمی متفکر، فروتن و لایق هستند دیده می شود. این رنگ در پوشش ملازم مرد به صورت محدود دیده می شود و در اکثر فیگورها استفاده نشده است . بیشتر استفاده شده برای پوشش خادمان رنگ قرمز است که بیشترین وسعت پوشش را در بردارد. از دیگر رنگهای استفاده شده برای ملازمان با جنسیت مرد :آبی روشن، بنفش، آبی، سبز (در کمترین فیگورها دیده شده است) و سفید (فقط برای کلاه ها استفاده شده است). رنگ های استفاده شده برای کنیزکان علاوه بر نارنجی، آبی در وسعت های کمتری استفاده شده و همینطور رنگ قرمز نیز دیده می شود.

جدول 10 : تصاویری از خدمتکاران زن و مرد

| | |
|---|--|
|  |  |
| بهرام گور در گنبد زرد، از نسخه ی خمسه ی نظامی، تبریز | رستم در پیشگاه کیخسرو زیر درخت جواهر نشان، از شاهنامه ی سربزرگ |

تحلیل رنگ لباس دراویش و فقرا در دوره صفوی

دراویش و فقرا از طبقات پائین جامعه به شمار می آیند و از شخصیت های عام محسوب می شوند. در چارچوب نوشته های صوفیانه ی فارسی و عربی، کلمه ی فقر و درویشی معادل تصوف است و فقیر یا درویش، صوفی است. مولانا، در مثنوی واژه ی فقیر را در معنی صوفی به کار برده است. رنگ لباس دراویش و فقرا که در جدول زیر مشاهده می شود مانند صوفیانی که از طبقات پائین جامعه هستند به رنگ قهوه ای و خاکی بر تن شان دیده می شود. ابزار پوشش معتقدات و مشتقان طریقت همانند آنچه در آثار نگارگری بر تن دراویش و غالب پیران می بینیم بسیار ساده و پشمینه مانند و عاری از هرگونه طرح و نقش های پرزرق و برق است کلاه پشمی و نمدی از مقبول ترین سرپوش ها در نزد اهل معرفت و ساده زیستان بوده است. این کلاه ها با حداقل تزئینات و با بی پیرایگی خاصی بر روی سر صوفیان و دراویش و افرادی از این قبیل ترسیم شده است. رنگ های آبی روشن و سبز ملایم که در البسه ی صوفیان وجود دارد در اینجا نیز مورد استفاده قرار گرفته است، اگر در لباس دراویش و فقرا رنگ قهوه ای یا نخودی دیده نشود در کشکولی که در دست دارند و یا رنگ پارچه ی کوله شان از این رنگ استفاده کرده اند تا آن رنگ معادله ای باشد میان اشیاء و وسایل با تیپ شخصیتی آن شخص، در این بخش استفاده از رنگ های سرد به چشم می خورد.

جدول ۱۱: تصاویری از فقرا و درویشان

| | |
|--|---|
|  |  |
| <p>صحنه ای از هفت اورنگ جامی، هتک حرمت بوستان، قزوین یا مشهد، واشینگتن، نگارخانه ی فرییر</p> | <p>مجنون با زنجیر در گردن به خیمه ی لیلی کشیده می شود، نسخه ی شاه طهماسبی</p> |

تحلیل رنگ لباس کارگران در دوره صفوی

کارگران نیز مانند اکثر تیپهای شخصیتی دیگر از طبقات پائین جامعه و از دسته ی عام هستند. آن ها زبردستان افرادی که جزء طبقات بالای جامعه هستند محسوب می شوند و تبعیت از فرمان آن ها را دارند. در این طبقه از گروه اجتماعی که در جدول زیر دیده می شود کمتر از رنگ های گرم (با وسعت کمتری در البسه) استفاده شده است و بیشتر از گروه رنگهای سرد به کاربرده شده است و هیچ طرح و نقشی در پوشش شان دیده نمی شود و یکرنگ و ساده هستند. رنگ های استفاده شده سبز متمایل به آبی (با توانالیه های مختلف)، آبی، بنفش، قهوه ای، سفید (در قسمت های کمی از جامه) دیده می شود. پای پوش های روستایان و دهقانان به این طریق بود که آن ها پا برهنه راه می رفتند یا پاهایشان را با نوارهای کتان می پیچیدند و کفش های تخت با زیره های چرمی سبزرنگی که به آن ها بندهایی متصل بود (چارق) به پا می کردند.

جدول 12 : تصاویری از کارگران در حال کار



تحلیل رنگ لباس سربازان و جنگجویان در دوره صفوی

سربازان با روحیه ی جنگ طلبی که دارند در هر دوره ای از حکومتها، و در هر قوم و ملتی، پوشش و رنگ لباسشان بر اساس اعتقادات و باورهایی که داشتند انتخاب می کردند تا بتوانند به دشمن غلبه کنند. از آنجایی که قرمز رنگی فیزیکی، نائل شونده و مادی گرا است، و افرادی که لباس آن ها این رنگ است پرهیجان، رقابت جو، شجاع و باشهامت و دارای توانایی و نیروی خواستن هستند. در بعضی جاها گروهی از سربازان رنگ لباسشان را به رنگ قرمز که اغلب نشانه ی خشم و قدرت و دارای اقتدار است و دلالت بر جرأت و جسارت طبیعی دارد نشان داده اند. در کنار رنگ قرمز لباس این سربازان، آبی تیره نیز دیده می شود که نشان از قدرت و جدیت را نوید می دهد. باید گفت که در تن پوش ها و زره های بعضی از این سربازان نقوشی با عناصر طبیعی دیده می شود و همچنین در بعضی از زره ها، کلاه ها و زانوبندها رنگ طلائی به کاررفته است.

جدول ۱۳ : تصاویری از سربازان در حال جنگ



طرح های مختلف پارچه های صفوی

طرح پارچه های صفوی به دو گروه انتزاعی و واقع گرایانه تقسیم شدند : **انتزاعی گیاه** : شامل عربی و کاتای، تیزل، گلپای مختلف مانند شاه عباسی و برگهای مختلف است. این نقوش شامل منحنی ها است.

شکل ۲: نقوش گیاهی در پارچه های عصر صفوی



انتزاعی هندسی: شامل خطوط حقیقی است. این طرح ها شامل اشکال هندسی ساده مانند مربع ، مستطیل و لوزی و غیره یا اشکال هندسی چند وجهی مانند چهار قلو ، قورباغه و سکو است. به نظر می رسد اکثر طرح های انتزاعی با طرح های دیگر مرتبط هستند و کمتر به صورت مجزا دیده می شوند.

شکل ۳: نقوش ابرها و برگهای چینی در قاب بیضی شکل ، آغاز قرن شانزدهم



طرح های واقع بینانه شامل موارد زیر است:

۱. **نقوش گیاهی:** نقوش منفرد (بوته تکراری) و انگیزه های متعدد (ترکیبی از بوته ها و درختان مانند: سرو ، درخت نارون ، درخت چنار ، شکوفه درختان و غیره).

شکل ۴: نقوش منفرد گیاهان روی پارچه های دوره صفویه



شکل ۵: چند نقوش روی پارچه های دوره صفویه



۲. نقش حیوانات : شامل حیوانات خیالی (مانند پرنده افسانه ای ، هیولا و ققنوس) و حیوانات مرکب (مانند شیر بالدار) و گونه های مختلف حیوانات واقعی است

شکل 6 : نقوش حیوانی روی پارچه های عصر صفویه



۳. نقوش آسمانی : مانند ابرها و اشکال مختلف خورشید.

شکل ۷ : نقوش آسمان روی پارچه های دوره صفویه



۴. نقوش مکتوب : مانند شعرها ، نشانه های دعا و آیات قرآن .

شکل ۸ : نقوش مکتوب روی پارچه های صفوی



شکل ۹ : نقوش مکتوب روی پارچه های صفوی



۵. نقوش انسانی : منفرد ، کاملاً زن یا مرد و یا متنوع که در آن هر شخص رنگ و حالت متفاوتی دارد.

شکل 10 : نقوش انسان روی پارچه های صفوی



بحث و نتیجه گیری

پادشاهان، خاندان سلطنت و اعضای طبقات اشرافی صفوی، به عنوان حامیان هنری، با درایت و نگرشی عمیق از ظرفیت تبلیغاتی پارچه بافی کشور، اقدام به ترویج فرهنگ و تمدن ایران در سایر ممالک نمودند. این حمایت، از سویی با رویکرد اشرافی گری و حس تجمل درباری و از سوی دیگر، با اهداف اقتصادی در ثروت اندوزی حکومتی و شخصی و نهایتاً در رقابت سیاسی بین ایران و عثمانی ریشه داشت. هنرمندان ایرانی با پرورش ابریشم، کاربرد مواد اولیه مناسب و با بهره گیری از گنجینه نقوش مختلف متأثر از هنر نگارگری توانستند هنر پارچه بافی را به منتهی درجه شکوفایی برسانند. عرضه این محصولات ارجمند به بازار جهانی، ایران آن زمان را به یکی از قطبهای تولیدکننده و صادرکننده ابریشم تبدیل نمود. همزمان با توسعه اروپا در قرن ۱۶ م،، تجار اروپایی برای بررسی دقیق امور تجاری به سوی سرزمین های شرقی و از جمله ایران سرازیر شدند. آنها سعی داشتند از دیگر رقبای اروپایی خود پیشی گرفته و گوی رقابت را از یکدیگر بربایند. در این دوره، روابط ایران و کشورهای اروپایی به دلیل دشمنی امپراتوری عثمانی با صفویان و نیز روابط بازرگانی، گسترش فراوانی یافت. با توجه به نیازهای بازار اروپا و رشد اشرافی گری و تجمل گرایی، داد و ستد ابریشم در این معاملات اهمیت ویژه ای داشت؛ بازار نوپای اروپا که از پوشاک مندرس قرون وسطایی و جزم اندیشی به تنگ آمده بود، شیفته کالاهای پر زرقی بود که در سرزمین های دوردست و ناشناخته و رازآمیز تولید شده بودند. پادشاهان ایرانی با پشتیبانی و فراهم کردن تسهیلات برای هنرمندان این صنعت، توانستند در زمینه بازرگانی و تجارت، موقعیت مناسبی برای خود مهیا کنند و اقتصاد ایران را به بالندگی برسانند. با تثبیت هرچه بیشتر قدرت سیاسی صفوی، تلاش اروپاییها برای رخنه در بازار ایران گسترش می یافت. خوشامدگویی شاهنشاه ایران به بازرگانان غربی، یک دلیل اقتصادی داشت و یک دلیل سیاسی که در دشمنی آنها با عثمانی ها نهفته بود. شاهان صفوی در موقعیت رقابت دائمی با عثمانیان قرار داشتند و احساس می کردند که برای تقویت قوای نظامی خود در مقابل هجوم احتمالی آن دولت و سایر کشورها، نیاز دارند که از فنون، تجهیزات و تجربیات نظامی اروپایی ها استفاده کنند؛ از این رو، تسهیلات تجاری برای بازرگانان اروپایی فراهم می کردند تا آنها هم به ارتش و نظامیان ایران سر و سامانی دهند. اروپایی ها هم که از جانب شرقی با خطر عثمانی ها روبه رو بودند، این فرصت را مغتنم شمرده و برای رشد کشورهايشان از سیاست صفویان استقبال می کردند. در این دوره، بیشتر اروپایی هایی که به ایران سفر می کردند، نمایندگان شرکتهای تجاری و صنعتی به شمار می رفتند. آنان مأموریت داشتند که بازار ایران را خصوصاً از جنبه توانمندیهای صنعت نساجی و البسه و اقمشه، مورد مطالعه قرار دهند.

شکوفایی هنر نساجی صفوی مرهون آرامش مطلوب جامعه آن روز، به پایان رسیدن کشمکشهای سیاسی چند سده گذشته و حمایت و مدیریت شهریاران صفوی بود. همنشینی نقاشی و نساجی و یا همکاری تنگاتنگ نگارگران با نساجان در دوره صفوی، به ویژه در دوره شاه عباس اول نشان از آن دارد که این دو هنر، پا به پای هم به مراحل های برجسته از تکامل و تعالی رسیده بوده اند. این پیشرفت در درجه نخست، مرهون امنیت، ثبات و دلبستگی شدید شاه به هنر و پیشبرد اقتصاد بود. شاهنشاهی گسترده ایران در زمان شاه عباس

اول، نیازمند اقتصادی شکوفا بود که احتیاجات سازمان حکومتی و سپاه جنگجوی آن را تأمین کند؛ توجه شاه به بعد اقتصادی نساجی، گویای آن است که در این دوره، درآمد قابل توجهی از این هنر و صنعت دستی، به خزانه وارد می شده است. تجربه شاهنشاهی صفوی در توسعه این رشته، می تواند آینه ای پیش روی جامعه کنونی باشد که از باززنده سازی نساجی بومی کشور به روشهای مدرن و حتی سنتی، در تأمین نیازهای اقتصادی و توسعه جامعه بهره جوید. همزمانی سلطنت شاه عباس اول با حکومت فرمانروایان بزرگ در سراسر جهان، از جمله فیلیپ دوم در اسپانیا، الیزابت اول در انگلستان، سلطان سلیمان قانونی در قلمرو عثمانی و اکبر شاه در هند، باعث برقراری و تقویت روابط ایران با این دولتها بود که از طریق گسیل کردن سفرا، بازرگانان و حضور فرنگیان، بیش از پیش در دوره صفوی به چشم می آید. اعطای پیشکشهای منسوج نفیس صفوی به این فرستادگان و ماجراجویان، به یک سنت در دربار صفوی بدل شده بود. اعطای تحف گرانبهادر، انگیزه غریبان را برای خرید و تولید این کالا تشدید می کرد و به بازار رونق می بخشید. نتیجه آنکه، تعدادی از غریبان برای آموزش فنون بافت این پارچه ها به ایران آمده و به شاگردی مشغول شدند.

رنگ مورد استفاده ی البسه ، نشان دهنده ویژگی های اجتماعی و نمادین هر سرزمینی است .این مشخصه ها تحت تأثیر خودآگاه انسان در دوران زیستی خود و تا حدودی تحت تأثیر شرایط اجتماعی و مذهبی جامعه است ممکن است این نمادها در دوره ها و گروه های دیگری متفاوت و خلاف آن ها باشد .بر این اساس شکل گیری و بسط نمادهای رنگی منوط به شرایط خاص هر جامعه ای صورت می پذیرد و اغلب تمام افرادی که به یک دوره ای از تاریخ در جامعه وابسته هستند در مورد یکرنگ تقریباً عکس العمل مشابهی دارند. گویی هر رنگ و نقشی و هر درفشی گویای واقعیت وجودی صاحب خود است .در نگارگری ایرانی رنگ یک شخصیت بر اساس موقعیت ها و اتفاقات صحنه رنگ لباسش تغییر می کند و دلیل آن به خاطر وجود تغییر صحنه های داستانی است تا نگارگر اتفاقات را بر اساس تأثیرات روحی که از رنگ گرفته می شود را بیان کند .اما یک یا دو رنگ مختص به تیپهای شخصیتی در رنگ لباسها وجود دارد تا بیانی از شخصیت آن فیگور را نشان داده باشد .اگرچه ریشه تغییرات نمادین رنگ در نگارگری ایرانی را می توان متعلق به مکتب هرات و آثار کمال الدین بهزاد دانست لیکن در دوره صفوی شکل بارزتری پیدا می کند . تغییرات حاکم بر جامعه صفوی و افزایش تعاملات مابین سایر کشورها به خصوص اروپایی و نیز نوع رویکرد حاکمان صفوی در جهت ارائه هم زمان تصویر با شکوه مادی و نیز بعد معنوی را می توان از دلایل اصلی اهمیت یابی این نوع نگاه دانست .تفاوت ها و تشابهاتی که در رنگ لباس اشخاص با طبقات مختلف جامعه وجود دارد این است که در لباس اشرافیان ، رنگ های به کاررفته و نقوش استفاده شده در لباس آنها تقریباً مشابه لباس شاه و شاهزادگان است .اما در لباس کارگران، گدایان و فقرا از لحاظ این که جزء طبقات پائین جامعه هستند کمتر از رنگ های شاد و روشن استفاده شده است و هیچ نقش و تزئینات در لباس آن ها دیده نمی شود و در لباس انبیاء و اولیاء و شاعران و صوفیان نقوش بر روی برخی نگاره ها دیده می شود و در برخی عاری از نقش و نگار است و این نبود نقوش در لباس این شخصیت ها به خاطر آراسته بودن و بی آلایشی آنها است نه به خاطر اینکه نگارگر آنها را جزء طبقات پائین جامعه نشان دهد. در مورد رنگ لباس عاشقان (علاوه بر مجنون که عشقی حقیقی دارد و صوفی مطرح شده است) می توان گفت که از رنگهای شاد و روشن استفاده شده است همین رنگها را در لباس رقاصان، خادمان زن و به ندرت در جنسیت مرد نیز دیده می شود. اشخاص اسطوره ای به دلیل این که آن ها را در داستان ها پر قدرت و شکست ناپذیر بیان کرده اند مانند شاه و شاهزادگان در لباس شان از نقوش و تزئینات طبیعی استفاده شده است و در مورد فرشتگان بیشتر رنگهای معنوی بر روی بال هایشان دیده می شود و رنگ لباس آنها برعکس انبیاء و اولیاء، صوفی و شاعر از رنگ های روشن و گرم و تزئیناتی بر روی لباسشان استفاده شده است. این رنگ ها شاید به خاطر نزولی که از آسمان به زمین دارند را نشان می دهد. و اما رنگ لباس تیپ شخصیتی سربازان، همان طور که قبلاً گفته شد هر قوم و ملتی بر اساس عقاید و باور خود نمادهایی از رنگ را برای لباس خود انتخاب می کردند که این انتخاب رنگ را در بخش سربازان و جنگجویان می توان دید . یک معیار درست و سنجیده زمانی به دست می آید که ما قضاوت خود را بر اساس موقعیت قرارگیری رنگ بخشی از تن پوش و تناسب آن رنگ در ارتباط با رنگ های مجاور خود در زمینه ی کلیه ی تیپ های شخصیتی به کاررفته در اثر، قرار دهیم.



در این تحقیق سعی شد که از این نوع خصوصیات ویژه (رنگ لباس ها - جنس پارچه ها - پیچش بعضی قسمت های لباس مثل سربند و شال کمر) در طراحی لباس و از جنسیت پارچه ی لباس ، در لباس ها استفاده کرده و برای بهتر نشان دادن پوشاک دوران صفویه از یک سری تزئینات این دوران در لباس ها بهره گرفته و به زیبایی لباس ها افزوده شد.

منابع

- خلیل زاده مقدم، مریم، صادق پور فیروزآباد، ابوالفضل. (۱۳۹۱). بررسی تطبیقی نقوش پارچه های صفوی و گورکانی. فصلنامه نگره، ۷(۲۱)، ۲۱-۳۶.
- دهقانی، فاطمه، داودی رکن آبادی، ابوالفضل، دادور، ابوالقاسم. (۱۳۹۷). مطالعه تطبیقی پارچه های مورد استفاده در لباس زنان دوره صفوی و قاجار با استفاده از نرم افزار SPSS هنر اسلامی، ۱۴(۳۲)، ۱-۲۱.
- رضایی آذر، ندا. (۱۳۹۲). بررسی عنصر رنگ در پارچه های دوره اسلامی (سلجوقیان تا صفویه)، نقش مایه، ۵(۱۵)، ۹۱-۱۰۰.
- طالب پور، فریده. (۱۳۹۷). پارچه بافی در عصر صفوی: از منظر تاریخی، سبک ها و کارکردها. مبانی نظری هنرهای تجسمی، ۳(۲)، ۱۲۳-۱۳۴.
- محبی بهزاد، حسناخانی قوام فریدون، امانی مریم. (۱۳۹۷). بررسی رابطه جایگاه اجتماعی و انتخاب رنگ البسه در نگاره های دوره ی صفویه. هنرهای صناعی اسلامی، ۳(۱): ۱۲۷-۱۴۰.

Color analysis of Safavid era fabrics in the light of Islamic sages' opinions

Zahra Mohseni

Abstract

The color used in the dress represents the social and symbolic characteristics of each land. The kings, the royal family and the members of the Safavid aristocratic classes, as art patrons, with tact and a deep understanding of the promotional capacity of the woven fabric of the country, promoted the culture and civilization of Iran. They did in other countries. This support, on the one hand, was rooted in the approach of aristocracy and a sense of courtly luxury, and on the other hand, with economic goals in governmental and personal wealth accumulation, and ultimately in the political competition between Iran and the Ottoman Empire. and is excellent for use in design. The clothing of the Safavid period had very beautiful designs compared to other periods and was very close to Iranian culture. Their fabrics have a special softness, elegance and beauty, and there was a special elegance in the design of their clothes. Iran's woven fabric during the Safavid period, like other branches of art, was influenced by the policies of the rulers of that period. One of the most important artistic characteristics of the Safavid era is the formation of art centers under the patronage of the court and the close connection between artistic fields, especially weaving and painting. The fabrics woven in the Safavid period are among the most beautiful textiles that Iranians have created throughout the history of their art. The diverse and beautiful colors of these textiles show that the art of fabric design and texture was at the peak of its technical development at that time. The existence of a suitable environment for artists was an important factor in the development of the art of weaving and their efforts had a great impact on the development of this art.

Key words: color, fabric, Safavid period, Islamic sages